



بدون فلسفه دین، فقه نیز متحول نمی‌شود/ لگنهاوزن؛ مسلمان اندیشه زاد

آیت الله رشاد در آئین نکوداشت محمد لگنهاوزن گفت: لگنهاوزن جستجوگری است که مسلمانی را سلمان وار برگزید و از پایگاه فلسفه دین به دین دست یافت. در واقع وی مسلمان اندیشه زاد است و نه مادرزاد.

آیت الله رشاد در آئین نکوداشت محمد لگنهاوزن گفت: لگنهاوزن جستجوگری است که مسلمانی را سلمان وار برگزید و از پایگاه فلسفه دین به دین دست یافت. در واقع وی مسلمان اندیشه زاد است و نه مادرزاد.

به گزارش خبرنگار مهر آئین نکوداشت علمی پروفسور محمد لگنهاوزن به همت قطب علمی فلسفه دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری مؤسسه امام خمینی (ره) ۲۹ فروردین در تالار همایش های مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار شد.

مسلمان اندیشه زاد و نه مادرزاد

آیت الله علی اکبر رشاد در تجلیل از مقام علمی پروفسور محمد لگنهاوزن گفت: هر یک از ما به ایشان احساس دین می کنیم و این جلسه برای ادای دین به ایشان برگزار شده است. ایشان یکی از پیشاهنگان و شخصیت های برجسته علم و حکمت و معرفت هستند. پرسشگر و جستجوگری که مسلمانی را سلمان وار برگزید و از پایگاه فلسفه دین به دین دست یافت و با این نگاه به دین حق و حاق دین که تشیع هست رسید. در واقع وی مسلمان اندیشه زاد است و نه مادرزاد! آثار ایشان در حوزه های گوناگون، خاصه فلسفه دین، گره گشا است. فیلسوف و حکیم و خاصه حکیم که یک گام جلوتر از حکیم است خصوصیتش تواضع است و ایشان واقعاً متواضع هستند، به همین دلیل او را «فیلسوف فروتن» خوانده ایم. در یکی از سفرهای حج که بنده معاونت پژوهش بعثه مقام معظم رهبری را برعهده داشتم، دو روز یکبار جلسات علمی در میان اندیشمندان جهان اسلام در بعثه برگزار می کردیم، یک روز ایشان به من گفتند توصیه می کنم به این افرادی که اینجا جمع می شوند بگویید به جای حضور در این جلسات بروند، در مسجد الحرام و کعبه را تماشا کنند.

وی در بخش دیگر سخنانش به اهمیت و ضرورت بحث در مورد فلسفه دین پرداخت و از مهجوریت آن در حوزه گفت: ارزش و کارکرد فلسفه دین در جامعه علمی ما مورد توجه نیست و مخصوصاً در حوزه کمتر مورد توجه است. این در حالی است که اساساً فلسفه دین دانشی حوزوی است و یک خاکیز عقب تر از کلام است. اصحاب حوزه هستند که باید به فلسفه دین که نگاهی فراکلامی و خارج نصی دارد بپردازند. امروزه تحول در دانش های حوزوی در گرو توجه به فلسفه های مضاف است و در میان فلسفه های مضاف فلسفه دین جایگاه خاصی دارد. فلسفه دین الحادی و یهودی و مسیحی که رایج است برای ما کارگشا نیست، بلکه ممکن است زیان بار باشد، چرا که فلسفه دین در نگاه رایج قلمرو محدود، یعنی ۷۸ مسئله، را بررسی می کند و به مباحث محدودی می پردازد، چون زادگاه آن مسیحیت است و مسیحیت موجود دینی ناقص و فاقد شریعت است و یک دین حداقلی است. فلسفه دین رایج ناظر به دین محل تولد خودش، یعنی مسیحیت، مسائل فلسفه دین را طرح و بررسی کرده است و این در حالی است که به بسیاری از مسائل که در نگرش اسلامی در چارچوب دین است توجه نشده است! فلسفه دین در ذهن ما قلمرویی به گستردگی دین اسلام دارد و باید به همه اضلاع دین اسلام پاسخگو باشد. فلسفه دین رایج گره گشا برای امروز ما نیست، ما باید کار دیگری را آغاز کنیم و باید فلسفه دین اسلامی را تأسیس کنیم و پروفسور اهتمام به این داشتند و معتقدند که فلسفه دین واحد نداریم، چون ادیان با هم مختلف هستند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی با طرح این سوال که چرا به بحث فلسفه دین جایگاه و درس رسمی در حوزه داده نمی شود، گفت: بدون فلسفه دین، فقه نیز متحول نمی شود و علم دینی پیش نمی رود. فقه و اجتهاد نیازمند بحث و مطالعه در مورد فلسفه دین است، کلام ما در واقع متأثر از فلسفه دین است و اصول فقه ما که متأثر از کلام است، متأثر از فلسفه دین خواهد بود. اگر بناسف فقه ما مدیریت جامعه را برعهده بگیرد بدون اندیشیدن در حوزه غایات دین و فلسفه دین این مهم فراهم نخواهد شد. نظام سازی ما در گرو نظام مند دیدن دین است و توجه به دین در حد ارتکازات ما از دین کافی نیست. نزد قدامی اصحاب ما کسی که در کلام مجتهد نبود مجتهد فقهی تلقی نمی شد و قدامی ما توجه داشتند که مجتهد باید براساس مبانی کلامی خود فتوا بدهد و مقلد در کلام، در فتوا نیز مقلد است. امروز نیز به نظر ما اگر کسی در کلام و فلسفه دین مجتهد نباشد در آن بخش از مبانی اجتهاد خود مقلد است و این عملاً مساوی با اجتهاد و فقه تقلیدی است! اینها همه ضرورت پرداختن به فلسفه دین را برای ما حوزویان را روشن می

کند! تا مسائل ما در فلسفه دین به صورت جدی و عالمانه حل نشود فقه حکومتی و فقه تمدنی و فقه پیشرفت نیز تحول جدی نخواهد داشت.

اصل کار ما در دین این است که می خواهیم زیارت کنیم و زیارت باقلب است

در بخش دیگر جلسه پروفیسور لگنهاوزن گفت: امثال بنده باید از سه نکته پرهیز کنیم؛ شهوت، ثروت، شهرت! از وقتی به ایران آمده ام خیلی مورد لطف دوستان و اساتید و دانشجویان و طلاب قرار گرفته ام و مخصوصاً از آیت الله مصباح تشکر می کنم و بنده قبل از آمدن به ایران با ایشان ملاقات داشتم و ایشان در مسائل علمی حساسیت زیادی دارند. در رابطه با فلسفه دین و ارتباط فلسفه و دین خیلی می توانیم بحث کنیم، اما به نظرم در رابطه دین داری و فلسفه باید بگوییم اصل کار ما در دین این است که می خواهیم زیارت کنیم و زیارت با قلب است و برای آماده شدن قلب باید خادم هایی بیایند و فکر را از انحراف و کثافت ها جaro کنند تا قلب ما توجه درست داشته باشد تا بتواند زیارت کند!

لگنهاوزن؛ نمونه برجسته انسان حقیقت طلب

در بخش پایانی جلسه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی سخنان خود را در سه بخش ارائه نمود و در بخش اول به نکات برجسته شخصیتی پروفیسور لگنهاوزن پرداخت و گفت: نکته اول حقیقت جویی ایشان است، همه ما انسان ها فطرتاً طالب حقیقت هستیم، اما اینکه واقعاً چه اندازه تلاش و هزینه می کنیم، که این در افراد مختلف است. ایشان یکی از نمونه های برجسته انسان حقیقت طلب است و از چهل سال گذشته تا به امروز قدم های بلند و قابل تقدیری در مسیر حقیقت جویی برداشته اند. نکته دوم خستگی ناپذیر بودن ایشان است که واقعاً نظیر ایشان کم داریم، گاهی انسان یک چیزی را دوست دارد، ولی برخی مشاغل و مسائل زندگی باعث می شود که به خاطر آن چیزی که دوست دارد هم خیلی هزینه نکنند، اما ایشان واقعاً زندگی عادی شأن باعث نشد که آنچه را دوست دارد کنار بگذارد. نکته سوم شخصیت، شجاعت و استقلال نظر ایشان است. خیلی ها که در یک زمینه کار می کنند و به یک نظر می رسند وقتی شرایط جامعه به آنها اجازه نمی دهد، اظهار نظر نمی کنند، اما ایشان اگر به یک نتیجه علمی برسند اظهار نظر خودشان را دارند ولو مخالف جو غالب باشد و ایشان تحت تأثیر جو و شرایط محیطی واقع نمی شوند. مثلاً در دنیای امروز مسئله حقوق بشر و آزادی آنقدر اهمیت دارد که بسیاری ازمتدینین ما هم ممکن است آن را فوق وحی بدانند و به خود اجازه می دهند در امور دینی تشکیک کنند، اما در حقوق بشر این اجازه را به خود نمی دهند! در این فضا ایشان گوید برای مسئله حقوق بشر هیچ دلیل عقلی قاطع نداریم و بیشتر حقوق بشری که مطرح می شود جنبه سیاسی و احساسی و نفع طلبی دارد و در همین موضوع ایشان صدها کتاب مطالعه نموده اند و اظهار نظرات ایشان عالمانه است.

مصباح یزدی در ادامه گفت: خداوند به هدایت همه انسان ها در تمام اقطار عالم عنایت دارد رحمت الهی به گونه ای است که اگر کسی صادقانه از خدا توفیق بخواهد آن چنان با وسایلی او را هدایت می کند که عقل هیچ انسانی نمی تواند درک کند که یک نمونه آن پروفیسور لگنهاوزن است که با خواندن نهج البلاغه به امام علی (ع) علاقه مند می شوند. نتیجه اینکه ما توجه داشته باشیم که در دنیا افراد حقیقت جو پیدا می شوند و فکر نکنیم که کشوری که نسبت به ایران دشمنی دارد همه افراد آن کشور آن گونه هستند. وظیفه ما این است که در نشر حقایق دین در همه دنیا به وظایفمان عمل کنیم و این مورد غفلت است و ما امروز در یک چارچوب محدود و آن هم کشور خودمان و آن همه نه در همه بخش های دین بلکه در بخشی که در مورد حلال و حرام و سایر بخش های دین برای خودمان هم درست پیش نبردیم چه برسد به نشر آنها!

در پایان مصباح یزدی گفت: توصیه می کنم به جوانان خوش فکر و نوآور سعی کنند یک برنامه ای برای تحول برنامه های درسی حوزه ها، نه به معنای نفی برنامه های فعلی، بلکه به معنای اضافه کردن برنامه های جدید، داشته باشند تا بتوانند وظایف حوزوی و دینی خودشان، که امانتی است بر دوش ما، بهتر انجام دهند.